



و در نهایت هر دو پروژه به ثمر نشست و امروز شاهد اثرات وحشتناک آنها در دو استان خراسان رضوی و سیستان و بلوچستان هستیم. قطعه کامل‌کننده پازل تحریم آبی ایران نیز سد بخش آباد بر فراه رود است که در دولت غنی ۸۰ درصد پیشروی پروژه داشته و در صورت بهره‌برداری، ضربه مهلکی به تمدن سیستان خواهد زد.

در بعد سیاست خارجی نیز شاهد برخی اقدامات با نگاه عدم همکاری هستیم. گرایش بیش از حد به سمت سعودی، محکومیت مقاومت مردم مظلوم یمن و بحرین، همراهی با تحریم‌های خصمانه غرب علیه جمهوری اسلامی ایران، سکوت در قبال جنایات رژیم صهیونیستی، عدم همراهی با گروه‌های مقاومت در منطقه و ده‌ها عنوان دیگر تنها بخشی از سیاست خارجی دول دو دهه گذشته در افغانستان است که با نگاهی دقیق‌تر می‌توان به راحتی به این درک رسید که دقیقاً در مقابل جریان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده است.

در بعد امنیتی نیز همین روند ادامه داشته است: پناه دادن به برخی عناصر تروریست ایرانی در خاک افغانستان، پشتیبانی معنوی و تدارکاتی برای شکل‌گیری داعش در افغانستان علیه امنیت ملی ایران، رهاسازی مرز مشترک بیش از ۹۴۰ کیلومتری و ایجاد مزاحمت‌های مستمر برای مرزبانی جمهوری اسلامی ایران، پناه دادن به برخی گروه‌های تروریستی افغانستانی با هدف پیشبرد جنگ نیابتی جدید علیه جمهوری اسلامی ایران از جمله ملا عبدالمنان نیازی، وجود گزارش‌های مستند از حضور و فعالیت رژیم صهیونیستی در خاک افغانستان با هدف ضربه زدن به امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، وجود گزارش‌های مستند از حضور و فعالیت عناصر سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در خاک افغانستان و ده‌ها عنوان دیگر در همین زمینه که با دستور غرب توسط دول فرومانده در کابل علیه تهران اجرا شده است.

در بعد آسیب اجتماعی مسأله افزایش سرسام‌آور کشت مواد مخدر، افزایش قاچاق مواد مخدر به ایران، افزایش چند ده برابری لابراتوارهای تولید مواد مخدر صنعتی و افزایش قاچاق این نوع مواد به داخل کشورمان نیز یک سیاست

به نظر می‌رسد
اکنون افغانستان
بدون امریکا
می‌تواند محلی
امن‌تر و با آسیب
بسیار کمتری برای
جمهوری اسلامی
ایران باشد